

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی موارد و مصادیق حبط و تکفیر در عمل انسان براساس آموزه‌های دینی

سامره میرزایی^۱

۱ - طلبه سطح دو حوزه علمیه حضرت معصومه سلام الله علیها- رودبار samereh1363mirzaei@gmail.com

چکیده

حبط و تکفیر اعمال یکی از موضوعات مهم کلامی است، که این محو شدن اعمال نیک و نابودی سیئات در لسان آیات و روایات بسیار یاد شده است. سیئات بر حسنات تأثیرگذار بوده و هر سیئه ای به نوعی با حسنه ای تعارض پیدا می کند. حسنات نیز بر سیئات اثرگذار بوده و می توانند سبب نابودی آنها شود.

پس از بررسی آیات الهی متوجه این مسأله می شویم که در بسیاری از موارد ایمان و عمل صالح با هم ذکر شده است و این را می رساند که عمل صالح فرد، هنگامی مورد قبول درگاه حق تعالی واقع می شود که وی آن عمل را به ضمیمه ایمانش انجام داده باشد. خداوند تبارک و تعالی برای انجام کارهای نیک پاداش‌هایی قرار داده و در مقابل برای عاملین کارهای زشت نیز کیفرهایی. قرآن عواملی که موجب حبط اعمال می شود را در آیات متعدّد بیان کرده است، از جمله: کفر، شرک، ارتداد، نفاق، دنیاطلبی، بی حرمتی نسبت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و آزردن مومنان، همچنین در برخی آیات عوامل تکفیر کننده اعمال را بیان می کند، از جمله: ایمان به خدا و عمل صالح، ایمان به پیامبران و یاری آنها، هجرت، جهاد، توبه، پرهیز از گناهان بزرگ و

واژگان کلیدی: ایمان، تکفیر، حبط، شرک، کفر.

مقدمه

خداوند از میان مخلوقات، فقط انسان را خلیفه الله در زمین قرار داد و برای این که انسان به جایگاه واقعی خود دست یابد، امکاناتی نیز برایش فراهم نمود. از جمله به انسان عقل، شعور و اختیار عنایت فرمود؛ و نیز کتب الهی را برای هدایت انسان فرستاد و پیامبران که حاملان کلام وحی و رابطان خداوند با انسان هستند را مبعوث کرد و امامانی را به پیشوایی و راهبری قرار داد تا انسان در مسیر درک و فهم احادیث پیامبران مبعوث شده، دچار کج فهمی و ابهام نشده و با کمک و راهنمایی آن‌ها راه را از بی راهه تمیز داده و مسیر سخت و پرفراز و نشیب زندگی را به راحتی طی کند.

انسان‌ها همیشه در آرزوی عاقبت به خیری و سرانجام نیکو بوده‌اند و خداوند این خصلت را در نهاد و فطرت انسان قرار داده است، چرا که هر انسانی فارغ از هر نژاد و رنگ و مذهب و فرهنگی، دوست دارد که پایان کارش همراه با سعادت‌مندی و کامیابی باشد و از همین روست که هر فردی اگر چه بنده هوس و خوش گذرانی باشد ولی دغدغه داشتن آینده نیکو را در کارگاه فکر خود می‌پروراند.

در این مسیر و برای رسیدن به یک سرانجام مطلوب به عنوان هایی همچون حبط و تکفیر برخورد می‌کنیم. جهل یا غفلت نسبت به این مفاهیم می‌تواند خوشبختی و تمام آمال و آرزوهای انسان را در آتش نادانی به خاکستر مبدل سازد و عده‌ای از اهل ایمان ممکن است به جهت عدم آشنایی با موضوع حبط اعمال، به یأس و ناامیدی کشیده شوند و با تصوّر این که اعمال صالحه آن‌ها به وسیله گناهانی که مرتکب شده‌اند باطل شده، تسلیم نفس و وسوسه‌های شیطان شوند و همچنین با عدم فهم صحیح از تکفیر و با این تصوّر که ایمان قلبی و اعمال نیک، گناهان را می‌پوشاند، نسبت به ارتکاب به گناهان کبیره جری و گستاخ شوند. از این رو، پرداختن به مسئله‌ی حبط و تکفیر اعمال از جهت تربیتی، اهمیت بسیار دارد.

با توجه به این که حبط و تکفیر اعمال در آیه‌های متعددی در قرآن کریم مطرح شده است، می‌توانیم آن را از جهت تفسیری، روایی، فلسفی و عرفانی مورد بررسی قرار دهیم. اما در بعضی از کتاب‌های کلامی یا بحثی از آن به میان نیامده یا خیلی اندک و در حدّ چند سطر به آن پرداخته شده است، در کتاب هایی مانند المیزان علامه طباطبائی، الالهیات سبحانی، مفردات راغب اصفهانی که در آن‌ها به صورت پراکنده مطرح شده و همچنین در مقالاتی نیز به این مسئله پرداخته شده است.

به واسطه آشنایی با این مفاهیم این سوال در ذهن شکل می گیرد که حبط و تکفیر چیست؟ چه اهمیتی دارند؟ چه عواملی باعث حبط و تکفیر اعمال می شوند؟ در این تحقیق سعی داریم که با پاسخ دادن به این سوالات و دریافت نتیجه مطلوب از آن، استعداد جلب هدایت الهی را در خود فراهم نموده و خود را از ظلمت گناه و هوس برهانیم. نکته ای که بیانگر اهمیت بررسی این موضوع می باشد آن است که سعادت و شقاوت انسان با حبط و تکفیر اعمال رابطه ی تنگاتنگی دارد، زیرا سر انجام حبط اعمال شقاوت ابدی و تکفیر موجب سعادت جاودانه انسانی است.

برای دستیابی به مطالب مورد نیاز، با استفاده از روش کتابخانه ای، به کتب روایی، اخلاقی، تفسیری و اعتقادی رجوع شده است.

مفهوم شناسی

حبط در لغت: « الْحَبَطُ: وَجَعَ يَأْخُذُ الْبَعِيرَ فِي بَطْنِهِ مِنْ كَلَالٍ يَسْتَوِيلُهُ، (يقال): حَبَطَتِ الْإِبِلُ تَحْبُطُ حَبْطًا. وَ حَبَطَ عَمَلَهُ: فَسَدَ، وَ أَحْبَطَهُ صَاحِبُهُ، وَ اللَّهُ مُحْبِطُ عَمَلِ مَنْ أَشْرَكَ.»^۱

برخی از اعمالی که انسان مرتکب می‌شود، باعث می‌شوند تا عمل‌های ثواب و نیک انسان از بین بروند. انسان سال‌ها زحمت بکشد و اعمال صالحی انجام دهد اما با انجام یک عمل تمام ثواب اعمال گذشته را نابود کند.^۲ از معانی حبط، « حَبَطَ عَمَلُهُ حَبْطًا: بَطَلَ ثَوَابُهُ »^۳ عملش حبط شد؛ یعنی ثواب آن از بین رفت مقصود باطل شدن ثواب عمل است. هم چنین در مصباح المنیر آمده: « حَبَطَ الْعَمَلُ حَبْطًا ... فَسَدَ وَ هَدَرَ »^۴؛ عملش حبط شد؛ یعنی عمل فاسد و تباه شد.

بهترین مثل را در توضیح حبط، خود قرآن می‌زند و از آن به غبار پراکنده و خاکستر بر باد رفته تعبیر شده است مثل « وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا »^۵ و « مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ »؛ اگر مقداری خاکستر را در روز طوفانی در مقابل باد قرار دهیم گرچه واقعا از بین نمی‌رود و معدوم نمی‌گردد ولی طوری پراکنده می‌شود که هرگز بدست نمی‌آید.^۶

احباط: در لغت مصدر باب افعال از ماده حَبَطَ يَحْبُطُ حَبْطًا وَ حُبُوطًا ، به معنای از بین بردن و فاسد کردن عمل است و زمانی به کار می‌رود که شخصی عملی را انجام دهد و سپس آن را فاسد کرده و از

۱ - الفرهیدی، العین، ص ۱۷۴.

۲ - حَقَّجُو، اضطراب و نگرانی (عامل بیماری‌های روانی) (شناخت، پیشگیری، عوامل، آثار و درمان)، ص ۷۲-۷۳.

۳ - جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

۴ - الفیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ص ۱۱۸.

۵ - فرقان: ۲۳.

۶ - ابراهیم: ۱۸.

إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ؛ کسانی که از گناهان بزرگ و زشت های آن کناره گیرند جز پاره‌ای یا به طرز سطحی و گذرا، بی گمان پروردگارت آمرزشی دامن گستر دارد.^۱

۶- حسنات

« وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ؛ نماز را در دو طرف روز و اوائل شب برپا دار، چرا که حسنات، سیئات (و آثار آنها را) بر طرف می‌سازند، این تذکری است برای آنها که اهل تذکرند.»^۲ و در آیه ۲۲ سوره رعد خداوند می‌فرماید: « وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ؛ و آنها که بخاطر ذات (پاک) پروردگارشان شکیبائی می‌کنند، و نماز را بر پا میدارند، و از آنچه به آنها روزی داده ایم، در پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند، پایان نیک سرای دیگر از آن آنهاست.»

۷- صدقه پنهانی

خداوند در این آیه انفاق پنهانی را موجب پوشاندن برخی از گناهان دانسته است: « إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ اگر انفاقها را آشکار کنید، خوب است! و اگر آنها را مخفی ساخته و به نیازمندان بدهید، برای شما بهتر است! و قسمتی از گناهان شما را میپوشاند، (و در پرتو بخشش در راه خدا، بخشوده خواهید شد). و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»^۳

۸- کفارات

در مواردی برای برخی از گناهان، کفاره تعیین شده که باعث تکفیر آنها می‌شود؛ مانند عفو از حق قصاص که کفاره گناهان ولی مقتول است: « وَكُتِبَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ

۱ - نجم: ۳۲.

۲ - هود: ۱۱۴.

۳ - بقره: ۲۷۱.

بِالْأَنفِ وَالْأُذُنِ بِالْأُذُنِ وَالسِّنِّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحِ قِصَاصٌ فَمَن تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ و بر آنها (بنی اسرائیل) در آن (تورات) مقرر داشتیم که جان در مقابل جان و چشم در مقابل چشم و بینی در برابر بینی و گوش در مقابل گوش و دندان در برابر دندان، می‌باشد، و هر زخمی قصاص دارد و اگر کسی آن را ببخشد (و از قصاص صرف نظر کند) کفاره (گناهان) او محسوب می‌شود، و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده حکم نکند ستمگر است.^۱ و نیز در آیه دیگر خداوند می‌فرماید، کفاره شکستن قسم که عبارت از اطعام یا پوشاندن ۱۰ نفر مسکین یا آزاد کردن یک نفر برده است و اگر بر هیچ کدام توانایی ندارد، سه روز روزه گرفتن: «لَا يُؤْخَذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَنِكُمْ وَلَكِنْ يُؤْخَذُكُم بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرَةُ أَيْمَنِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ...»^۲

نتیجه گیری

از آن چه گذشت دانستیم که حبط به معنای از بین رفتن اعمال نیک به سبب سیئات و تکفیر به معنای از بین رفتن سیئات به سبب اعمال نیک، نقش بسیار مهمی را در زندگی انسان ایفا می‌کند.

وقتی فرد بداند که بروز برخی رفتارها و حالات مانند عصبانیت، تکبر، حسد، دنیاطلبی و ... که موجب می‌شود، انسان مالک اعمال و رفتار خود نباشد و با در نظر گرفتن این که فرد ممکن است سال‌ها زحمت بکشد و اعمال صالحی انجام دهد، ولی مثلاً در حین یک عصبانیت و تندخویی همه را از دست بدهد، و در نقطه‌ی مقابل، با ایمان به خدا و پیامبر، عمل صالح، توبه و ... میتواند گناهان گذشته‌اش را پاک کند، همواره تلاش خواهد کرد تا با شناخت صحیح از چنین مفاهیمی و مراقبت از اعمال و رفتار خود زمینه را برای رسیدن به سعادت و عاقبت به‌خیری فراهم کند.

۱ - مائده: ۴۵.

۲ - مائده: ۸۹.

فهرست منابع

* قرآن: مکارم شیرازی

* نهج البلاغه: مکارم شیرازی

کتب فارسی

- ۱- حقجو، محمد حسین، اضطراب و نگرانی (عامل بیماری‌های روانی) (شناخت، پیشگیری، عوامل، آثار و درمان)، ج ۱، قم، انصار المهدی علیه السلام، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۲- سبحانی تبریزی، منشور جاوید: نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی، ج ۸، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۳ ه. ش.
- ۳- شعرانی، ابوالحسن، کشف المراد شرح فارسی تجرید الاعتقاد، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۲ ه. ش.
- ۴- صبحی، صالح، جمعی از راویان نهج البلاغه (صبحی صالح)، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۵- طاهری، حبیب الله، نقش باورهای دینی در رفع نگرانی‌ها، قم: انتشارات زائر - آستانه مقدسه، ۱۳۸۸ ه. ش.
- ۶- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، ج ۲، ناشر مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- ۷- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تألیف: محمد بیستونی، ج ۶، قم: انتشارات آستان قدس رضوی، بی تا.
- ۸- فرمانیان، مهدی، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۳، قم: دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۹۳ ه. ش.
- ۹- محمدی ری‌شهری، محمد، خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث، مترجم: جواد محدثی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۳۸۷ ه. ش.

۱۰- -----؛ وافقی، رسول؛ کنز الدعاء، ج ۳، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۲ ه.ش.

۱۱- مکارم شیرازی، ناصر، نهج البلاغه با ترجمه فارسی روان، ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۴ ه.ش.

کتاب عربی

- ۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۷، بولاق - مصر: المطبعة الميرية، ۱۳۰۰ ه.ق.
- ۲- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربيه، ج ۳، تصحيح: احمد عبدالغفور عطار، بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه.ق.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۲، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۴- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، چاپ دوم، بی جا، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۵- -----، بیروت: دار القلم، الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ه.ق.
- ۶- زبیدی، مرتضی و دیگران، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۴ ه.ق.
- ۷- عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهيّة، ج ۱، قاهره: دار الفضيله، بی تا.
- ۸- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، مصحح: هاشم، رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامی، ۱۳۸۰ ه.ش.
- ۹- فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر؛ التفسیر الكبير(مفاتیح الغیب)، ج ۷، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۳ ه.ق.
- ۱۰- فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، (مخزومی، مهدی، سامرائی، ابراهیم)، قم، موسسه دار و مکتبه الهلال، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۲، بیروت: دار الفكر، ۱۴۰۳ ه.ق.

- ١٢- فيومي، احمد بن محمد، و ديگران، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، ج ٢ و ١، قم: موسسه دار الهجره، ١٤١٤ هـ.ق.
- ١٣- قرشي، علي اكبر، قاموس قرآن، ج ٧-٥-٣-٢، چاپ ششم، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤١٢ هـ.ق.
- ١٤- قمي مشهدى، محمدرضا، تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ١٢، قم: دار الغدير، ١٤٢٣ هـ.ق.
- ١٥- كلينى، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٢، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ هـ.ش.
- ١٦- مجلسى، محمد باقر، مرآة العقول، ج ١١، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٤ هـ.ق.
- ١٧- -----، بحار الأنوار، ج ٧٢-٢٧-٥، بيروت: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ هـ.ق.